نمای مهر درباره لطیف تقدیری آذر

لطیف تقدیری آذر
- متولد ۱۲۰۶ در اردبیل
- یادگیری قالیبافی از شش سالگی
- پیوستن به کارگاه قالیبافی استاد صانعی فر از کودکی
- مهاجرت به تهران در سال ۱۲۲۱
- پیوستن به جمع شاگردان استاد جمشید امینی
- اشتغال در کارگاه گلیم و قالیبافی اداره هنرهای زیبای وزارت فرهنگ و هنر ۱۲۲۵
-سرپرستی کارگاه گلیم و قالیبافی از سال ۱۲۴۱
- از استادان چیره دست،تابستری، با ،گلیم های تصویری، (گویلن‌های بدون نقشه)
- دریافت نشان درجه یک هنری در رشته هنری قالی و گلیم دیواری
- بازنشستگی در سال ۱۲۶۰ و اشتغال به آموزش، بافت و مرمت قالی

در گلستان قالی!

آنچنان که از نوشته های باستانی بر می آید، هنر و صنعت بافندگی ابتدا در میان قبایل چادرنشین پدیدار گشت که عمده کارشان گله داری بود. قدیمی ترین قالی توسط پروفسور رودنکو Rodenko در منطقه پازیریک شوروی در ۸۰ کیلومتری مرز مغولستان کشف شد که مربوط به دوره هخامنشیان است. از این دوران نمونه های زیادی از صنعت بافندگی به جای مانده، ولی بررسی ها در خصوص شیوه بافت و سیر تطور آن نشان می دهد که قبل از این زمان هم بافندگی نزد ایرانیان متداول بوده و شاید به عصر مفرغ برسد. وقتی اسکندر به دیدن قبر کوروش رفت تابوت طلایی کوروش را پوشیده از فرش ظریف و زیبایی دید. قدیمی ترین نوشته ای که از ۲۰۰۰ سال پیش بطور پراکنده به جای مانده، مربوط به گزنفون مورخ یونانی است و اشاره به نوعی بافتنی ایرانی می کند که تقریباً فرش است.

در دوره پارت ها یا اشکانیان بافندگی رواج کمی بین مردم داشته و نمونه قابل توجهی از این دوره به جا نمانده است.

در دوره ساسانیان علاقه ایرانیان به اشکال و تصاویر حیوانات در بافندگی ظاهر می گردد و قالی از فرآورده های نفیس ایران به شمار می رفت. از نمونه های بافته شده این زمان فرش بهارستان است، که در غارت پایتخت ساسانیان به دست اعراب افتاده و تکه تکه شد. تار و پود این فرش از زر و سیم بوده و گل بوته های آن از ابریشم و جواهر الوان.

در عهد سلجوقیان فن بافندگی رونق بسزا داشت. به استناد صفحات مصور متعلق به این دوران می توان دریافت که صنعت بافندگی در زمان سلجوقیان مقامی ارجمند داشته است.

در عهد مغول و تیموریان قالی و قالیچه مورد استعمال زیاد داشت. بعضی از نقاشیهای این دوره ملهم از نقش قالی بوده و نشانگر به کار گیری و اهمیت نقش و رنگ در قالیهای این دوره . دوره شکفتگی هنر و صنعت فرش ایران و گسترش بازرگانی آن به قرن های دهم و یازدهم هجری (دوره صفویه) مربوط می شود. توجه هنرمندان، گسترش امکانات از یک سو و همکاری استادان تذهیب و پیشرفت صنعت رنگرزی از سوی دیگر باعث شد که قالیبافی در این زمان مقامی ویژه پیدا کند.

کارگاههای بزرگ قالیبافی در شهرهای اصفهان، تبریز و کرمان دایر شد. نفیس ترین فرشهایی که در موزه های عمومی و خصوصی جهان نگهداری می شود، نشان از بافتها و نقشهای این دوره دارد. شورش افغان، انقراض سلسله صفویه ورکود اقتصادی به صنعت قالیبافی صدمه فراوانی زد. این رکود در زمان افشاریه و زندیه ادامه پیدا کرد و در دوره قاجار بخصوص در آغاز پادشاهی ناصرالدین شاه این هنر - صنعت چه از نظر احداث کارگاههای بافندگی (اراک، تبریز، کرمان، مشهد) و چه از نظر بازرگانی و تجارت فرش رونق چشمگیری پیدا کرد. (۱) و تا عصر پهلوی ادامه یافت و سرانجام کارگاه قالی و گلیم بافی به سرپرستی استاد جمشید امینی در سال ۱۳۱۱ به جمع کارگاه های مدرسه صنایع مستظرفه پیوست و مدت کوتاهی با نام مؤسسه قالی ایران به فعالیت خود ادامه داد. استاد حسین پاک عنصر از دیگر اساتید هنر قالیبافی بود که سرپرستی کارگاه را عهده دار شد و مدتی نیز استاد محمد رهبر شایسته سرپرستی کارگاه را بر عهده گرفت. در همین سالها و در میانه دهه بیست است که چهره مهرگانی امروز ما به جمع شاگردان استاد امینی می پیوندد و با رمز و رموز هنر قالیبافی بیشتر آشنا می شود. صحبت از استاد لطیف تقدیری آذر، هنرمند ارزنده قالیباف است، اما تقدیری آذر قبل از پیوستن به استاد امینی هم دستی آشنا و توانا در هنر قالیبافی داشته است. او متولد سال ۱۳۰۶ در اردبیل است. زندگی دشوار کودکی و از پی امرار معاش خانوادگی، از ۶ سالگی در کارگاه قالیبافی استاد صانعی فر در اردبیل مشغول به کار می شود و ضمن آموختن هنری که همه زندگی او را در بر می گیرد، با همه کودکی کمک خرج خانواده نیز به حساب می آید. تقدیری آذر را شاید تقدیر راهی تهران می کند تا خیلی زود به جمع شاگردان استاد صاحبنام زمانه جمشید امینی بپیوندد. او سال ۱۳۲۲ به تهران مهاجرت کرده و در سال ۱۳۲۵ در کارگاه گلیم و قالیبافی اداره هنرهای زیبای وزارت فرهنگ و هنر، زیر نظر استاد جمشید امینی به بافت قالی پرداخت. امینی از شاگردان کمال الملک و از فارغ التحصیلان مدرسه صنایع مستظرفه بود که گوبلن بافی را نیز در ایران به اوج رساند و از دست کمال الملک در این رشته درجه استادی گرفت و گوبلن های او زینت بخش بسیاری از موزه های جهان شد، و هم او بود که لطیف تقدیری جوان را با هنر خویش آشنا کرد. از سال ۱۳۳۵ بافت «تابستری» یا «گلیم های تصویری» در کارگاه بافت میراث فرهنگی (اداره کل هنرهای سنتی)، آغاز و در حقیقت پس از سه قرن این هنر قدیمی دوباره احیا می شود. در این کارگاه به آن نوع بافت «گوبلن بافی» می گفتند. بافندگان ماهری چون «جمشید امینی» و «لطیف تقدیری آذر» به بافت آثار نقاشانی چون کمال الملک و ملک الشعرای صبا همت گماردند و در این کارگاه بود که آثاری از نقاشان معاصر چون بهرام عالیوندی، جلیل ضیاء پور و منوچهر شیبانی نیز بافته شد.(۲)

در طرحهای گوبلن، استفاده از گلهای ریز و چند پر که در بین بافندگان به گل فرنگ موسوم است و برخورداری ترنجها و لچکها از نقش این گلها، طرحی را به وجود می آورد که بی شباهت به گوبلن فرانسوی نبود و حاشیه ها، نقوش و عوامل تشکیل دهنده در متن اصلی را کمابیش در خود منعکس می ساخت اما با این حال سرشار از ظرافتهای نگاه هنرمند ایرانی نیز بود. گوبلن های لطیف تقدیری بدون نقشه و مستقیماً از روی طرح نقاشی شده کار می شد. اما لطیف تقدیری هنر قالیبافی و نیز گلیم بافی را نیز در کنار گوبلن های بی نظیرش به جد دنبال کرده است.

قالی دستبافی است پرزدار که با دستگاهی به نام دار بافته می شود. آنچه به قالی اهمیت و ارزش می بخشد، مواد اولیه طبیعی مانند الیاف پنبه، پشم، ابریشم و کتان، رجهای موازی بر چله زده می شود. هر چه تعداد این گره ها در بافت بیشتر باشد مرغوبیت و استحکام آن بیشتر است. به دستگاه بافتن قالی که در معمولی ترین شکل خود چهار تیر ضخیم به صورت چهار چوب دارد، تیر گفته می شود، دار چوبی معمولاً از چوب درخت تبریزی ساخته می شود. دار فلزی از آهن است. درازا و پهنا و قطر تیرهای دار، متناسب با قطع قالی ای که قرار است بافته شود، در نظر گرفته می شود. ابزارهای دیگری هم در کنار دار درگیر ساخت قالی می شود. مثلاً قلاب که کاردی است با تیغه کمی خمیده که در انتهای دسته آن قلاب وجود دارد. قلاب برای گره زدن و تیغه آن برای بریدن خامه به کار می رود.

و یا دفتین، دفه و یا دفته که به علت شباهت به آن شانه نیز گفته می شود، ابزاری است مانند قلم موی پهن، برای کوبیدن و محکم کردن پود و گره و تنظیم خواب تارهای خامه استفاده می شود. قیچی نیز وسیله ای است برای چیدن پرز قالی، پس از بافتن هر رج، نخها و خامه های اضافی و پرداخت نهایی قالی.

در قالیبافی، گره ها به دو شیوه فارسی و ترکی زده می شود. نحوه گره زدن به شیوه ترکی بدین صورت است که نخ از روی دوتار و از کنار آنها به عقب برده می شود و سپس از داخل تارها به جلو برگشته و محکم می شود. گره ترکی نزد بافندگانی ایلات ترکمن و آذربایجان، روستاهای اطراف همدان رواج دارد.

در گره زدن به شیوه فارسی بافنده، خامه را از کنار یک نخ تار به عقب برده و بعد از گره زدن نخ، از بین دو تار بیرون آمده و محکم می شود. پرز قالی به وسیله گره هایی که در تارها زده می شود و به وسیله تیغه قلاب بریده می شود به وجود می آید. بعد از اتمام هرج نخ پود در لابه لای تارها کشیده می شود، سپس با شانه کوبیده و رج پود گذاری شده راقیچی کرده و دوباره به ترتیب قبل کار بافت را انجام می دهند.

طرحی است که به وسیله طراحان و نقشه پردازان روی کاغذ شطرنجی رسم می شود.

گاهی نیز از یک قالی بافته شده به عنوان نقشه استفاده می کنند. معروفترین نقشه های قالی عبارتند از هراتی یا ماهی، بته، لچک و ترنج، شاه عباسی، جنگلی یا بید مجنون، جوشقانی، میناخانی ... به طور کلی نقوش قالی دارای دو شیوه نقوش شکسته و منحنی می باشد.

گلیم های تقدیری آذر نیز نمونه های منحصری از هنر گلیم بافی ایرانی را به نمایش می گذارد. گلیم بافته ای است، بدون پرز که با نخ پشمی، پنبه ای یا کنفی با در گیری تاروپود بافته می شود. به این ترتیب که از نخ پنبه ای به عنوان تار و از نخ پشمی رنگارنگ به عنوان پود استفاده می شود. در گلیم بافی نقشه کاربرد چندانی ندارد و معمولاً نقش آفرینی به طور ذهنی انجام می شود. گلیم های هر منطقه طرح و رنگ ویژه ای دارد، که با توجه به بافت آن از بافته های دیگر مجزا می شود.

گلیم بیش از قالی سابقه و قدمت دارد . در واقع قالی در اثر تکامل گلیم، طی قرنهای متمادی پدید آمده است. برای بافت گلیم از دارهای عمودی و افقی استفاده می شود، اما نسبت به بافت قالی به ابزار کار و مواد اولیه محدود تری نیاز است. گلیم به سه شیوه بافته می شود: یکی گلیم ساده باف است. در این نوع گلیم، پودها یکی در میان از لابه لای تار (چله) عبور می کند. این گلیم یک روست و برای بافت آن معمولاً از نقشه از قبل آماده شده استفاده نمی شود. نقوش گلیم ساده باف، عموماً هندسی است و به ندرت نقوش منحنی در این نوع گلیم دیده می شود.

گاهی روی گلیم هایی با زمینه ساده با استفاده از الیاف رنگی پشم، نقوشی ایجاد می شود که غالباً هندسی است. دیگری گلیم برجسته است. این نوع گلیم دارای زمینه ای ساده می باشد ولی طرح اصلی مانند قالی پرزدار است. بدین صورت که از روی نقشه قالی، بر روی چله گلیم گره زده می شود و در پایان پرز اضافی چیده می شود و اما ورنی، گلیمی است بدون پرز و یک رو، که عموماً بدون نقشه و به صورت ذهنی توسط دختران و زنان عشایر مناطق مغان، ارسباران و مشکین شهر بافته می شود. این نوع گلیم در کردستان و کرمان با طرح و نقش دیگری بافته می شود که در کرمان آن را «شیریکی پیچ» می نامند. بهترین ورنی های ایران توسط ایل شاهسون یا ایلسون تولید می شود که سابقه طولانی در این زمینه دارند، به گونه ای که همواره واژه ورنی با نام شاهسون قرین بوده است. به طور کلی از لحاظ بافت، گلیم های ایرانی به دو شیوه بافته می شود: یکی شیوه پود گذاری است. در این شیوه تنها از نخ تار (چله) و نخ پود برای بافت گلیم استفاده می شود پودهای رنگارنگ را از زیر و روی رشته های تار عبور می دهند، با تغییر رنگهای پود است که نقشها پدیدار می شود و هر دو روی گلیم صاف، هموار و هم رنگ می شود. شیوه دیگر شیوه پود پیچی است. در این شیوه علاوه بر نخ تار و نخ پود از پودی نازک نیز در بافت استفاده می شود و در واقع پود به حالت پیچش از میان نخهای تار عبور نموده، سپس با عبور پود نازک و کوبیدن آن با شانه، عمل درگیری نخ های تار و پود قطعی می شود. این شیوه بافت که بسیاری از صاحب نظران آن را حدواسطی میان گلیم بافی و قالی بافی دانسته اند، در واقع آخرین منزلگاه تکامل گلیم بافی به قالیبافی می باشد. بافت گلیم معروف به ورنی در آذربایجان شرقی و نیز بافت گلیم معروف به شیریکی پیچ در استان کرمان بدین شیوه است.

این نوع گلیم ها را که به شیوه پود پیچی بافته می شوند سوماک نام نهاده اند. گاهی روی گلیم ها راسوزن دوزی می کنند، این گلیم ها به گلیم سوزنی شهرت دارند. انواع نقوش در گلیم یکی نقوش گیاهی است. نقوش گیاهی بر گرفته از گیاهان طبیعی است که مردم هر منطقه با آنها در ارتباط بوده و در انتخاب نقش در گلیم بافی از آنها الهام می گیرند. در گلیم های عشایری به دلیل ارتباط نزدیک میان انسان و حیوانات، نقوش تجریدی حیوانات برای تزئین استفاده می شود. از دیگر نقوش گلیم می توان به نقوش اشیا اشاره کرد. این نوع نقوش برداشت تجریدی اشیایی است که در زندگی روز مره گلیم بافان استفاده می شود.

انسان از گذشته های دور برای تزئین اشیا از درهم آمیختن خطوط، اشکال هندسی را پدید آورد که هر کدام معنا و مفهوم خاصی را برای او تداعی می کرد. معانی این نقوش ریشه در اعتقادات و باورهای انسانها دارد. با بررسی نقوش تجریدی در گلیم های روستایی و عشایری می توان به ریشه برخی از این اعتقادات دست یافت.(۳) خلاقیت و چیره دستی استاد لطیف تقدیری آذر در بافت قالی فارس و ترکی بافی و نیز گلیم، گوبلن و رنگرزی الیاف، موجب پدید آمدن آثار منحصر به فردی شده است. بافت قالیچه های بسیاری با نقشه های استاد فرشچیان، گلیم، گوبلن های حکیم باشی (نقاشی استاد کمال الملک) ـ ملک الشعرا ـ حضرت مریم و مسیح ـ مولانا ـ دو کله قوچ ـ دختر ترکمن و آموزش هنرجویان از نمونه فعالیت های ایشان در این دوره است. استاد لطیف تقدیری آذر دارای نشان درجه یک هنری در رشته هنری قالی و گلیم دیواری است. وی در سال ۱۳۴۹ به سرپرستی کارگاه انتخاب شد و سرانجام در سال ۱۳۶۰ از کار در کارگاه میراث بازنشسته شد اما از آن پس پیوسته به آموزش، بافت و مرمت قالی پرداخته است. برایش آرزوی طول عمر و سلامتی می کنیم...و اما

زمانی که بحث مدیریت هنرهای سنتی و حمایت دولتی از این هنرها در کشور به وجود آمد، جریان های سودجو و ناآگاه از ماهیت این هنرها، متولیان امور هنرهای سنتی شدند که به تولید کارگاهی و انبوه صنایع دستی اتجامید، غافل از آنکه هنر دستی وقتی به سمت تولید انبوه پیش می رود، از یک سو از کیفیت حقیقی و اصیل خود دور شده و از سوی دیگر ارزش افزوده خود را از دست داده است... ما برای نجات هنرهای سنتی و صنایع دستی سرزمین خود از ورطه نابودی، همانند بسیاری دیگر از امورات عرصه فرهنگ و هنر در این سرزمین، نیازمند تغییر نگاه مدیریت ها هستیم! و اما تقدیر از استاد لطیف تقدیری آذر، تجلیل و تقدیر از میراث گرانبهای هنر قالی ایرانی و بخشی از گنجینه هنرهای سنتی این سرزمین است.وظیفه ای که بر عهده همه ماست و همانطور که حسین امیرخانی در مراسم تجلیل از لطیف تقدیری آذر گفت: «تجلیل از این هنرمندان تجلیل از خودمان است که چشم بینا و دل قدرشناس داریم وگرنه این استادان هیچ نیازی به تجلیل های ما ندارند. زیبایی و کمال جویی در همه هنرهای ملی ما وجود دارد. این هنرها کهنه نمی شوند و جاودانه هستند. بهتر بود استادان هر یک خودشان می آمدند و مراتب سلوک و طی طریق را از زبان خودشان می شنیدیم. اینکه چه کار کرده اند. با چه سختی ها و محرومیت هایی کار را ادامه داده اند، نسل امروز وظیفه سنگینی دارد. باید هر وسنت های ایران را حفظ کند و علاوه بر آن به دنیای مدرن و تکنولوژی هم بپردازد که از آنجا نماند. جوان ها باید هنر مدرن را درک کنند و ضمن حفظ هنرهای سنتی آنها را به هم پیوند دهند.»

پی نوشت:

۱- پژوهشکده هنرهای ملی، کارگاه قالی و گلیم،سایت

۲- «تابیسری از گذشته تا امروز» ، مجله هنر و مردم - شماره اول

۳- پژوهشکده هنرهای ملی،همان